

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## فراهم شدن پس زمینه مداخله دوباره خارجی‌ها آیادستورکاردموکراسی بایدن در کابل به زشتی کشته شد؟ واکنش "آشفته" دولت‌ها در قبال رویدادهای کشور

دست کم گرفتن وضعیت روانی قوت‌های مسلح کشور  
دیدگاه‌های دموکراتیک راهی تبعیدگاه می‌شوند  
چگونگی تعریف نگاه‌های ایدئولوژیک زده‌ها  
"شکست ستراتیژیک" یا "موفقیت تاکتیکی"؟

اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل می‌باشد که بموجب آن، همه کشورها از دخالت در امور داخلی یکدیگر منع شده‌اند. رعایت اصل یادشده موجب حفظ حاکمیت ملی و استقلال کشورها و در نتیجه بمفهوم نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. وضع‌کننده‌های منشور سازمان ملل، سعی نمودند با تکیه بر اصل "عدم توسل به زور"، دولت‌ها را از مداخله در امور داخلی یکدیگر باز دارند. واگذار شدن مسؤلیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باعضای دایمی شورای امنیت، موجباتی را برای مداخله این سازمان در امور داخلی کشورها در موارد خاصی فراهم آورد. جامعه بین‌المللی در خلال جنگ سرد تلاش بعمل آورد تا اصل "منع مداخله" را تا حدودی رعایت نماید. در پایان سده ۲۰، شورای امنیت با تفسیر گسترده‌ای از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، "صلح داخلی" را با "صلح بین‌المللی" مرتبط پنداشته و بدین ترتیب نسبت به رخدادهایی چون نقض حقوق بشر و فجایع انسانی در قلمرو دولت‌ها احساس تکلیف و مسؤلیت نموده و اقدام به مداخله نظامی در کشور ناقض حقوق انسانی نمود. باین ترتیب اصل "عدم مداخله" تا حدودی تضعیف گردید. پس از وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، شورای امنیت سازمان ملل، خود را در قبال مسائلی چون مبارزه با "تروریسم بین‌المللی" و ممانعت از تکثیر سلاح‌های کشتار دستجمعی مسؤل دانست و در مقام یک مرجع قانونگذاری بین‌المللی و با تصویب دستورالعمل‌های عام برای کشورها، وارد قلمرو داخلی آنها گردید. همچنین ایالات متحده با اتخاذ دکترین "دفاع مشروع پیشگیرانه"، اعلام نمود که خود را ملتزم بر رعایت ضوابط ناظر بر عدم کاربرد زور در منشور ندانسته و در صورت بخطر افتادن منافع امریکا، خود بگونه مستقیم اقدام می‌نماید. نتیجه رویکرد جدید ایالات متحده، مداخله نظامی در کشورهایمانند افغانستان و عراق، از اعتبار تنها مرجع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کاسته و اصل "عدم مداخله" را نیز خدشه دار نمود.

قبل از همه، در نیشته حاضر تذکر این مسأله لازمی پنداشته می‌شود که جنرال مارک میلی، لوی درستیز قوت‌های مسلح ایالات متحده در مورد چگونگی فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان، در قبال پرسش‌های سناتورهای مجلس سنای کشورش توضیحاتی ارائه نمود. نامبرده در ادامه افزود که نظامیان امریکایی، بویژه، وضعیت روانی قوت‌های مسلح افغانستان را دست کم گرفتند. نامبرده با شتاب‌هاات ذکر شده از جانب سناتوران در مورد پایان هرج و مرج و ختم درگیری‌های مسلحانه در کشورما اظهاراتی بعمل آورد. مقامات ارشد پنتاگون برای نخستین مرتبه بگونه علنی اعتراف نمودند که به جوبایدن توصیه نموده بودند تا بتعداد ۲۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی، عمدتن بمنظور جلوگیری از سقوط رژیم در افغانستان همچنان به مأموریت‌شان ادامه دهند.

جن ساکی سخنگوی کاخ سپید در پاسخ به پرسش یادشده به تصریح این مسأله مبادرت ورزید که حضور نظامی محدود مطرح شده بگونه درازمدت در افغانستان، اصلن امکان ناپذیر نبود. نامبرده ادامه داده افزود که هیچکسی نگفت که در امتداد پنج سال می توانیم به تداوم موجودیت و حضور ۲۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی در اراضی افغانستان مبادرت ورزیم. اما درنهایت امر، تصمیم به فراخواندن کامل نظامیان امریکایی باوجود بگومگوهای از قوه بفعل مبدل گردید.

نظامیان بلندپایه پنتاگون فاش نمودند که جو بایدن و همچنان از دونالد ترامپ تقاضاً بعمل آوردند تا موعد وز مان مشخص و معینی بمنظور فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را اعلام ننموده، بلکه فراخواندن نظامیان یادشده را باید منوط به شرایط وضعیت در افغانستان محسوب نمود. خاطر نشان باید نمود که جنرال میلی اظهار نمود که بااداره واشنگتن توصیه نموده بود تا تاریخی بمنظور فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان معین و مشخص نگردد، بلکه با در نظر داشت شرایط و وضعیت نظامی - سیاسی در افغانستان به اقدام مقتضی باید متوسل شد، اما دورنمای جمهور ایالات متحده، یکی پس از دیگری بمنظور فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان، تاریخ تعیین نمودند.

ناظران امور و دست اندرکاران نظامی مسایل مربوط بکشور ما معتقدند که زمینه های شکست یادشده در گام نخست با امضای توافقنامه دوحه فراهم گردید که بتاريخ ۲۹ ماه فبروری سال پار توسط اداره ترامپ و "طالب"ها عقد گردید.

وزیر دفاع ایالات متحده که در مجلس سنا حاضر گردید، اشتباهات انجام شده را پذیرفته و اذعان داشت این واقعیت که ارتش و قوت های مسلح افغانستان را که نظامیان پنتاگون و شرکای آنها با هزینه های هنگفتی آموزش داده بودند، بدون مقاومت، مواضع شان را بطرف مقابل تسلیم نموده که در نتیجه، فروریزی حا کمیت سیاسی در کشور را سبب گردید و چنین امری همه را شگفت زده نمود. نامبرده همچنان یادآور شده افزود که میزان فساد و بی کفایتی افسران عالیرتبه نیز بدستی ارزیابی نگردید. موارد منفی ناشی از تغییرات مکرر و غیر قابل توضیح اشرف غنی در فرماندهی نیز دست کم گرفته شد. نامبرده از چگونگی توافقات انجام پذیرفته "طالب"ها با چهار فرمانده محلی، آنهم پس از توافق دوحه و همچنان از این واقعیت که توافق دوحه سبب تضعیف روحیه ارتش و قوت های مسلح افغان گردید، نیز پرده برداشت.

حال دیده شود که فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق بکشور ما چه اثری بر شهرت ایالات متحده بجا خواهد گذاشت. جنرال مارک میلی هشدار داد که از احتمال احیاً و اعاده "القاعده" و "گروه" دولت اسلامی" (داعش) در افغانستان نباید چشم پوشی بعمل آید. نامبرده همچنان یادآور شد که "طالب"ها تاکنون هم ارتبا ارتباطات شان را با "القاعده" که متهم بانجام حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ پنداشته می شوند، قطع ننموده اند. با آنهمه، لوی درستیز قوت های مسلح ایالات متحده اطمینان داد که بانتخاب جو بایدن احترام می گذارد. نامبرده افزود که رؤسای جمهور ایالات متحده بدلائل مشخص و معینی انتخاب گردیده و باتخاذ تصمیمهای ستراتیژیک منحصربفردی متوسل می گردند. نامبرده همچنان علاوه نمود که در مورد عواقب فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان، اختلافاتی میان وزیر دفاع و لوی درستیز قوت های مسلح امریکایی نیز عرض وجود نمود. اما قابل یاددهانی پنداشته می شود که نخستین روز حضور نظامیان عالیرتبه امریکایی در مجلس سنا، حاکی از تنش و بحران در مناسبات پنتاگون و کاخ سپید بود.

از جانب دیگر، لوی درستیز قوت های مسلح ایالات متحده اعتراف نمود که کشورش در افغانستان شکست خورده است. نامبرده پس از اعتراف به باخت جنگ ۲۰ ساله ایالات متحده در کشور ما، اظهار نمود که برای همه واضح و مبهرن می باشد که جنگ در افغانستان با شرایط مورد نظر آنها پایان پذیرفته و "طالب"ها در کابل بقدرت رسیدند. نامبرده همچنان وضاحت بخشیده یادآور شد زمانی که واقعیتی شبیه به باخت جنگ اتفاق افتاد، بمثابة واقعیتی کاملن متفاوت از آنچه بود که ما در انتظارش بودیم. اما جالب بنظر می رسد نامبرده تصریح نمود که وقتی واقعیتی شبیه به باخت جنگ اتفاق می افتد، عوامل و فاکتورهای متعددی در آن دخیل می باشد. وی ادامه داده افزود کاین "شکست ستراتیژیک" نتیجه مجموعه تصمیم های ستراتیژیک است است که بعقب باز می گردد.

نامبرده گونه ویژه ایی از فرصتهای از دست رفته بمنظور دستگیری یا کشتن اسامه بن لادن رهبر "القاعده" "القاعده"، اندکی پس از آغاز مداخله ایالات متحده در افغانستان در سال ۲۰۰۱ یادآوری بعمل آورد. پس

از آن در سال ۲۰۰۳ با حمله و یورش به عراق، نظامیان و اهالی ملکی بیشماری از هستی ساقط گردیدند. اما شکست و اشنگتن در جلوگیری از مبدل شدن پاکستان به پناهگاه تروریست ها جای تأمل دارد. قابل یاددهانی پنداشته میشود که عملیات تلافی جویانه ایالات متحده که بویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ آغاز گردید، تبدیل به کارزار گسترده ای بمنظور بازسازی افغانستان و جلوگیری از بازگشت "طالب" ها ب قدرت گردید، اما با وجود اینهمه، واقعیت یادشده در ۱۴ ماه اسد سالروان پس از پایان جنگ در کشورما اتفاق افتاد. بایست یادآور شد که سقوط ارتش و دولت افغانستان، در نوع خود، اصل عقب نشینی ارتش ایالات متحده و هم پیمانانش را سرعت بخشیده و در چنین وضعیتی، حمله مرگباری توسط سازمان تروریستی "داعش" در فرودگاه کابل سازماندهی و اجرا گردید. رهبران پنتاگون در مجلس سنای ایالات متحده اذعان نمودند که بویژه پس از توافق سال پار میان دونالد ترامپ و "طالب" ها، اصل واقعیت تضعیف روحیه نظامیان افغان دست کم گرفته شد.

در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که آیا نظارت کامل و تمام عیار و تصرف و اشغال کشورما بدون ورود باراضی آن امکان پذیر بنظر میرسد؟ در اینمورد بایست خاطر نشان گردد که بر بنیاد ادعای نظامیان پنتاگون، آنها در صدد استفاده از راهها و وسایلی می باشند تا بدون تهاجم مسلحانه مستقیم به زمین و فضای افغانستان و با استفاده و بکارگیری از پیشرفته ترین وسایل، تسلط و نظارت شان بر افغانستان را تأمین نمایند. مهم نیست که مؤثریت استفاده از سفینه ها و وسایل پرنده دیگری که در ارتفاعات بلندی پرواز می نمایند، بکدام معیاری می باشد، چه بکمک وسایل یادشده اصلن نمی توان به جمعآوری اطلاعات مشخص از زمین مباد درت ورزید. برای این منظور، بگمان اغلب، قرار دادن و جابجایی صدها هزار و احتمالن میلیون ها نوع مختلف چشم الکترونیک لازمی و ضروری پنداشته می شود.

بصورت یک گل بهم پیوسته و با استفاده از مثال کشورما، امکان اجرای عملیات مسلحانه در کشورهای جهان سوم، بدون حضور مستقیم در سرزمین مورد نظر، آنهم از چشم اندازها و دورنماهای توسعه فناوری، مطرح بحث می باشد. در اینمورد سعی بعمل می آید تا بگونه حداعظمی، از ابعاد و وزن پهباد ها کاسته شده و آتروز ها دورنیست که پهبادهایی باندازه یک حشره نیز وارد میدان و عرصه نبرد گردند.

کشور عزیزما افغانستان را می توان کشور نسبتن بزرگی محسوب نمود. هواپیماهای بدون سرنشین کوچک و در مجموع، سیستم پهباد های کوچک اصلن قادر بانجام خدمات و فعالیت های مستقل استخباراتی در تمامی اراضی کشورما نمی باشد. در اینباره، به سیستم های تحویل چند مرحله ایی نیازی باشد.

در امتداد مدت زمان پسین، کشورهای استرلیا، هند، جاپان و ایالات متحده باین مهم اشاره نمودند که درکنار مسایل موجود، سرزمین افغانستان نباید بهیچ عنوانی علیه کشور دیگری مورد استفاده قرار گرفته و نباید اراضی مربوط بآن به پناهگاه تروریست ها و محل امنی برای جنگجویان خارجی مبدل گردد.

نخستین اجلاس حضوری کشورهای چهارگانه یادشده بتاريخ ۲۴ ماه سپتامبر سالروان در کاخ سپید گشایش یافت. در مجموعه مسایل مورد بحث سران کشورهای یادشده، در مورد رفع عواقب و ویروس کووید - ۱۹، بهبود وضعیت اقتصادی، برنامه های زیربنایی، مبارزه با تغییرات آب و هوای، همکاری های فضایی و فضای سایبری و تبدلات آموزشی مورد بررسی و مطالعه قرار داده شد. در بیانیه پایانی نشست یادشده آمده است که در جنوب آسیا با همکاری های مشترک و هماهنگی فعالیت های دیپلوماتیک و تنظیم سیاست های اقتصادی و سیاست هایی در عرصه حقوق بشر بویژه در مورد افغانستان و تعمیق مبارزه علیه تروریزم و بر بنیاد قطعنامه شماره ۲۵۹۳ شورای امنیت سازمان ملل، تداوم کمک ها و ارائه معاونت های بشردوستانه را تداوم خواهند بخشید. سران کشورهای یادشده خاطر نشان نمودند که کار سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان هیچگاهی برای پناه دادن و آموزش جنگجویان و سازماندهی اقدامات تروریستی و انجام حملات علیه کشورهای دیگر نباید استفاده بعمل آید. آنها همچنان بکارگیری و استفاده از واسطه های تروریستی را محکوم نموده و باهمیت عدم پشتیبانی و عدم حمایت از جنگجویان تأکید ورزیدند.

از جمله در یکی از سند های اجلاس یادشده آمده است که از موقوف و مبارزه شهروندان افغانستان پشتیبانی نمودن و از "طالب" ها خواهش بعمل می آورند تا مانع آنعده افغان هایی نشوند که مایل به ترک کشور می باشند، حمایت و احترام بحقوق بشر را درباره سایر شهروندان، بویژه در مورد زنان و اطفال کشور مراعات نمایند. پیش از این، وزارت خزانه داری ایالات متحده بشرط انجام عملی تمامی اقدامات مربوط به معاونت های بشر

دوستانه در کشور، در صدد انجام معاملات پولی با "طالب"ها بود. علاوه بر آن، همه تعاملات وابسته و مربوط بانجام عملیات بشردوستانه در کشور ما گردید. قابل تذکر پنداشته می شود که بحران جدید، بگونه مستقیمی با تلاش های ایالات متحده بمنظور تحمیل ارزش های منحصر بفردش در کشور عزیز ما ارتباط دارد. چه، خروج ایالات متحده و فراخواندن نظامیان، سبب پیدایش وضعیت بحرانی در کشور ما گردیده و هنوز هم چگونگی اثرگذاری آن کشور بر امنیت منطقوی و جهانی مشخص و هویدا نمی باشد. با وجود اینهمه، بنظر برخی ها، نمی توان با تکوین حالت و وضعیت قبلن گفته آمده، از تخفیف و کاهش تشنج در وضعیت جهان و روابط بین المللی سخن گفت. بخاطر باید داشت که در مجموع، جهان و جهانیان از تکوین بحران بشری در کشور ما هشدار می دهند. اما این پرسش ذهن همه را بخود مشغول می نماید که چه کسی ویا کسانی مسؤل شکست ایالات متحده در کشور ما پنداشته می شوند و به چه نحوه ایی پس از ۲۰ سال با موجودیت پرشاخ و برگ نظامیان تا دندان مسلح امریکایی وناتو، در سرزمین افغانستان تن به شکست دادند؟

نباید فراموش خاطر ما شود که کشته شدن اضافه تر از ۲۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی و ۲۰ برابر آن قربان شدن افغان ها، نتیجه کلی حضور ایالات متحده در منطقه بحرانی، جنگ زده و مملو از تشنج کشور ما پنداشته می شود. بایست علاوه نمود که با ترک میهن ما توسط آخرین نظامی آن کشور، بگونه رسمی از ختم وپایان درگیری های مسلحانه در کشور ما اطلاع دادند. اما متأسفانه بتعداد قربانیان ناشی از عوامل جنگ افزایش بعمل می آید. یک تن از نظامیان امریکایی بصراحت اظهار نمود که پس از بازگشت از افغانستان، پنج مراتبه به خودکشی مبادرت ورزیده که در اثر آن دو مراتبه در شفاخانه بستری گردید. نامبرده ادامه داده افزود که همیشه خودش را در تاریکی خفه کننده ای احساس می نماید. وی در صدد آن شد تا بالکول و مواد مخدر رو آورد. در ایالات متحده از تشخیص بیماری های ناشی از اختلال واسترس عایده از آن، بویژه پس از وقوع سانحه، اصلن خودداری بعمل می آید. بسیار اتفاق افتاده که سربازی بدون دست وپا به مرکز فرماندهی بازگشته، بلافاصله بمثابه قهرمان پنداشته شده و مورد نوازش همقطارانش قرار گرفته است. عده بیشماری از نظامیان بازگشته از افغانستان بزندگی شان خاتمه داده وضمن یادداشتهایی خاطر نشان نموده اند که بیشتر از این نمی توانند بزندگی ادامه دهند.

وزیر دفاع ولوی درستیز قوت های مسلح ایالات متحده بمنظور توضیح بیشتر شکست تحقیر آمیز آن کشور در افغانستان به مجلس سنا احضار شده و در مقابل حملات جمهوری خواهان و دموکرات ها، ناگزیر بارانه پاسخ درقبال پرسشهای متعددی گردیدند. در نهایت امر، مارک میلی بمثابه لوی درستیز نظامیان کشورش، اظهار نمود این یک واقعت مسلم است که جنگ در افغانستان به پایان رسید اما نه بنحوی که امریکاییان آرزومند آن بودند، چه، "طالب"ها در کابل بقدرت رسیده، امریکایی ها به تخلیه بیسابقه مبادرت ورزیده و در مجموع بتعداد ۲۴ هزار تن از شهروندان امریکایی از افغانستان انتقال داده شدند. آیا چنین وضعیتی در نوع خود برای امریکایی ها پیروزی تاکتیکی محسوب می گردد؟

از نقطه نظر ستراتیژیک، ایالات متحده در کشور ما، بویژه با تحمل قربانیان نظامیان آن کشور با شکست تمام عیاری مواجه گردید. در نتیجه انجام عملیات تروریستی در میدان هوایی کابل که مسؤلیت آنرا "داعش" بر عهده گرفت، چند صد تن از غیر نظامیان کشور و همچنان بتعداد ۱۳ تن از تفنگداران امریکایی، بخاک و خون کشیده شدند. در جریان عملیات مخالفان مسلح بویژه در امتداد یورش "طالب"ها به کابل، قوت های مسلح کشور که بمنظور تعلیم و تربیه، آموزش و تجهیز آنها میلیاردها دالر هزینه گردید، دست روی دست گذاشته و اقدام آنچنانی بمنظور دفاع از کابل بعمل نیآوردند. نامبرده همچنان در مجلس سنای کشورش اظهار نمود که با فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان، بتعداد ۳۵۰۰ تن از آنها باید همچنان در آنجا بموجودیت شان ادامه میدادند، اما چنین نشد. نامبرده درقبال این پرسش که در چنین وضعیتی، وی سخنان و اظهارات بایدن را مبنی بر اینکه هیچکدام از مشاورانش، چیزی شبیه مسأله گفته آمده در زمینه فراخواندن کامل نظامیان امریکایی از افغانستان را برایش پیشنهاد نمودند، چگونه تفسیر می نماید. اما وی بگونه مشخص وواضحی از ارانه پاسخ طفره رفته و متذکر گردید که قرار نیست تا بیانیة رئیس جمهوری ایالات متحده در باره مسأله یاد شده مورد ارزیابی قرار داده شود.

اما در ایالات متحده، دلایل و عوامل تسلیم متحدان، نتیجه عدم موجودیت انگیزه و نبود اراده وتضعیف روحیه نظامیان پنداشته می شود.

و اما در مورد زیرپا گذاشتن قول و قرارهای پنجگانه "طالب" ها بایست یادآور شد که پس از چند ماه برگشت "طالب" ها بقدرت که در نتیجه حمله برق آسا و غیرمنتظره بر کابل مسلط شدند، بگونه سخاوتمندانه به جهان و جهانیان وعده هایی سپردند، از قبیل:

- "طالب" ها تغییر نموده و با اقدامات و عملکردهای خشن هرگز رجعت نخواهند نمود؛
  - جامعه افغانی بشیوه جدید زندگی و حیات عادت نموده کاین واقعیت بایست در نظر گرفته شود؛
  - "طالب" ها آرزومندند تا بمثابه بخشی از جامعه جهانی پذیرفته شوند.
- اینکه آیا همه این افسانه ها بگونه بیرحمانه ای نقض خواهند شد یا نه، زمان و چگونگی سیر حوادث بآن پاسخ خواهد گفت.

یکشنبه ۱۸ ماه میزان سال ۱۴۰۰ خورشیدی